

مهر

چگونه بازارهای مالی سقوط کردند

● سقوط مالی سال ۲۰۰۸ یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های اقتصادی قرن بیستم پس از رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ بود. کتاب «سقوط اقتصادی ۲۰۰۸: چگونه یک دهه درگیری با بحران‌های مالی جهان را تغییر داد» نوشته آدام توز که با ترجمه پیروز اشرف از سوی نشر اختران منتشر شده به صورت مفصل به ریشه‌ها و تبعات سقوط اقتصادی ۲۰۰۸ می‌پردازد. آدام توز درحال‌حاضر مدیر و استاد تاریخ در مؤسسه مطالعات اروپایی دانشگاه کلمبیا در نیویورک است. بحران سال ۲۰۰۸ نتیجه شکاف بی‌سابقه بین بهره‌وری تولید و دستمزدهای واقعی نیروی کار بود. از دهه ۱۹۷۰ شکاف بین این دو به دلیل افزایش بهره‌وری تولید و کاهش دستمزدهای نیروی کار به طرز فزاینده‌ای افزایش یافت.کاهش دستمزدهای واقعی، بی‌کاری گسترده، بحران بودجه، رشد نابرابری، کاهش خدمات اجتماعی تنها بخشی از علایم بحران بود که دیگر با الگوهای اقتصاد کلاسیک قابل توضیح نبودند؛ اقتصادی که معتقد است اشتغال کامل و رشد سریع از ویژگی‌های ذاتی سرمایه‌داری‌اند. پس برای تحلیل و شناخت اقتصاد کنونی و آینده، به یک الگوی اقتصادی نیاز داریم که بتواند این بحران‌ها و نتایج‌شان را توضیح دهد. در فاصله سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۲ که مشهور به عصر طلایی است، دولت‌های غربی رشد اقتصادی و شاخص‌های زندگی را مهندسی کردند؛ از طریق مجموعه‌ای از آموزه‌های دولت رفاه، مدیریت‌کینزی و کنترل مناسبات سئرسکوب. از زمان آغاز بحران نیمه دهه ۱۹۷۰ بسیاری از تحلیلگران ظهور دوباره اضافه انباشت و گرایش به رکود ممتد را توضیح دادند. در این زمان درمان نسبی جدیدی برای اقتصاد پدیدار شد که گرچه نتیجه منطقی کل تاریخ سرمایه‌داری تا آن زمان بود، غیرمنتظره به نظر می‌رسید. این درمان به شکل ایجاد رویانی مالی وسیع و نسبتاً خودگردان بر پایه تولید اقتصاد سرمایه‌داری به وجود آمد. البته در طول تاریخ، بازارها و نهادهای مالی به همراه سرمایه‌داری تکامل یافته بودند. ولی دوره‌های رونق اقتصادی عموماً کوتاه‌مدت و هم‌زمان با اوج چرخه‌های اقتصادی بوده‌اند و هرگز آن ماهیت مستقلی را نداشتند که در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به دست آمد. تغییر تاریخی‌ای که در این دوره رخ داد چنین بود: سرمایه که نمی‌توانست گریزگاهی برای مازاد فزاینده‌اش در اقتصاد واقعی بیابد، از طریق شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران منفرد، مازاد را پس انداز زیادی خود را با سودآوری در افزایش قیمت دارایی به مالیه سرازیر کرد. نتیجه تاریخی این دوره ایجاد کوهی از بدهی بود به همراه افزایش فوق‌العاده سود مالی، هم‌زمان انحصارهای چندملیتی تحت لقای اسواق بازار آزاد در جست‌وجوی سرمایه‌گذاری سودآور، به صدور سرمایه به جهان جنوب روی آوردند. پیامد فرایند این جهانی‌سازی شد بحران ممتد اقتصادهای پیشرفته در سطح جهانی. نتیجه‌ای که در دنیای جهانی‌شده امروز، بحران سرمایه انحصاری- مالی را هم به لحاظ زمانی و هم مکانی بی‌پایان اعلام می‌دارد. چنان‌که اگر هیچ راهی برای فراتررفتن تاریخی از تضادهای فزاینده پیشرفت سرمایه‌داری درون چارچوب این نظام نباشد، هیچ ترمیم ماندگاری هم وجود نخواهد داشت تا ما را از نظامی رها سازد که اکنون کل جهان را احاطه کرده است. ربط کل موقعیت تحولات اقتصادی – نه صرفاً در چند دهه گذشته بلکه در قرون سرمایه‌داری-

با اثرات زندگی واقعی سرمایه‌داری انحصاری، در کار بسیاری از پژوهشگران بررسی شده است. این کتاب مجموعه‌ای است دانشنامه‌گونه درباره روند جهانی‌شدن اقتصاد سیاسی کشورهای دنیا طی چند دهه اخیر و پیامدهای آن. در فرایند پیچیده تولید و توزیع ثروت کم‌وبیش جهانی‌شده، مناسبات قدرت و سطح کارایی اقتصادی سیاسی در درون کشورها میان بازارها و صنایع جهانی شده و دولت‌های حامی آنها تعیین‌کننده سهم هر یک از بخش‌های ذی‌نفع است. نویسنده ضمن یادآوری دوران رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، تحولات مالی و پولی جهان غرب بعد از جنگ جهانی دوم، تشکیل بازار مشترک و اتحادیه اروپا و فروپاشی بلوک شوروی، با نگاهی تفصیلی به زمینه‌های ایجاد بحران مالی اقتصادی ۲۰۰۸ و سیر تکوین و اشکال بروز و روبرویی با آن در جهان غرب، اروپای شرقی، روسیه و جمهوری‌های شوروی سابق، چین و اقتصادهای نوظهور در طی ۱۰ سال تا اوایل سال ۲۰۱۸ می‌پردازد. در این کتاب تنش‌های اقتصادی و سیاسی درون کشورها و میان کشورهای و همچنین ملاحظات جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی پدیدآمده در جهانی با گرایش قوی به سوی چندقطبی‌شدن، بررسی می‌شود. نویسنده برای تحلیل نقش شخصیت‌ها، تصمیمات و سیاست‌های اتخاذشده در تحولات یک دهه پس از بحران، از مجموعه‌ای وسیع و معتبر از داده‌های مالی پولی و اقتصادی و نیز منابع تحلیلی و خبری سود برده است. در این کتاب بحران مالی ۲۰۰۸ و پیامدهای آن، از جمله بحران بدهی دولت‌های کشورهایی مانند یونان و پرتغال، برگزیت و انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا و رویکرد او به چالش‌های جهانی‌شدن اقتصاد و رقابت‌های ژئوپلیتیکی با چین و روسیه به تفصیل به بحث گذاشته شده است.

● سقوط اقتصادی ۲۰۰۸ سقوط اقتصادی ۲۰۰۸: چگونه یک دهه درگیری با بحران‌های مالی جهان را تغییر داد» نوشته آدام توز ترجمه: پیروز اشرف نشر اختران قیمت: ۱۷۰۰۰۰ تومان



ترجمه: شهیار خواجهیان:
بدهی یک حقیقت زندگی است، حتی اگر یکی از ماندگارترین مشکلاتی باشد که جهان ما را آشفته و سردرگم کرده است. خانه شما، کالاهای مصرفی، مدرک تحصیلی، و اگر در آمریکا زندگی کنید، مراقبت پزشکی‌تان، به احتمال زیاد همه از طریق بدهکاری ممکن شده است. بحران‌های اقتصادی ادواری از جمله پیامدهای آن هستند. هر زمان چنان بحران‌هایی سر بلند کنند، فراخوان‌هایی برای بخشش بدهی داده می‌شود. اما قدرت‌های تصمیم‌گیر و سباهی از مفسران هشدار می دهند که چنین تلاش‌هایی باید محدود و سنجیده باشد، مبادا به هرج‌ومرج و نابسامانی منجر شود. مایکل هادسون دیدگاه متفاوتی دارد. وی که اقتصاددان پیشین بانک جیسی منتهن و مشاور دولت‌های گوناگون بوده کتاب بسیار تأثیرگذار «ابرامریالیسم» را نوشته و در آن توضیح داده که چگونه برآمن یک نظام پولی بین‌المللی بر پایه دلار در دوران پس از جنگ دوم جهانی راه به کمک به تأمین هزینه‌های نظامی نامحدود آمریکا بُرد. هادسون که اکنون استاد اقتصاد در دانشگاه میسوری-کانزاس سیتی است، در تلاش برای یافتن خاستگاه بدهی و مالکیت خصوصی به کندوکاو باستان‌شناسانه روی آورد. وی با برانکو مارسه‌تیک از نشریه زاگون دربراره تاریخ این پژوهش، کتاب ۲۰۱۸ خود، «... و بدهی‌های آنها را ببخش، وام، توقیف و بازپرداخت از دوره مالی عصر برنز تا سال جشن بخشایش» مصاحبه کرده است. در این کتاب درباره همه چیز، از بخشایش بدهی در جوامع باستانی تا خطابودن آنچه درباره مسیحیت می‌دانیم، صحبت می‌شود.

● **شما این مسئله را مطرح می‌کنید که با نگاه همه‌جانبه به تاریخ انسان، رابطه امروزی ما با بدهی و درک آن بی‌مناسبت، رابطه جوامع باستانی با بدهی چگونه بود و چگونه آن را کنترل می‌کردند؟**

تقریباً همه بدهی‌ها در جامعه واقعاً باستانی بین شخصی و از نوع چیزی بود که اروپایی‌ها بدهی از نوع «جبران خسارت» (wergild) می‌نامیدند. اگر شما زخمی به کسی می‌رسانید، یا بازوی کسی را می‌شکستید، یا کسی را می‌کشیدتد، جامعه باستانی دو گزینه داشت: یا با کسی دشمنی داشتید و خانواده شما برای شما می‌جنگید، یا جبران خسارت و تعارض را لحروف‌ش می‌کردید. رفته، رفته، پرداخت «جبران خسارت»، به شکل پول- یا اگر قضیه جدی بود، به صورت کتیزکان یا گله- به واژه بدهی تبدیل، و برای جرم، این واژه مورد نظر «گناه» شد. پس، معنای اصلی ندای ربانی به عبری و یونانی، «بدهی ما را ببخشای» بود. در میان‌رودان، با اقتصاد کشاورزی، بیشتر بدهی‌ها به خاک یا معابد بود. بدهی مالی در سراسر سیال تأدیه می‌شد. هر دوره سوم پیش از میلاد در سومر، یا هزاره دوم پیش از میلاد در بابل، اگر طی سال برداشت محصول به یک کافه می‌رفتید، برگه‌ای را به صاحب کافه، و به کاخ برای پیش‌دریافت حیوانات، آب یا نهاده‌های کشاورزی می‌دادید. و همه چیز از طریق اعتبار انجام می‌پذیرفت. بدهی‌ها همه در صحن خرمن‌گویی و به صورت غله پرداخت می‌شد، و یک واحد غله معادل یک واحد نقره بود.

اما گاه، محصول غله بد بود، یا جنگ و قطعی پیش می‌آمد، و توان پرداخت نبود. در آن زمان، مطابق قوانین حمورابی، می‌گفتید، «اگر «حداد»، خدای توفان، بیاید و محصول غله را نابود کند، پس آن‌گاه بدهی‌ها نباید پرداخت شوند». جامعه در هزاره‌های سوم و دوم و حتی در هزاره اول پیش از میلاد این‌گونه عمل می‌کرد. زمانی که یک حاکم جدید بر تخت می‌نشست، یا به دلایل دیگر- پایان جنگ، یا دلیلی برای لغو بدهی - بدهی‌ها لغو می‌شد، خدمتکاران مقروض آزاد می‌شدند که به خانواده‌شان بپیوندند، و وثیقه‌ای که نزد ارباب گذاشته بودند، پس داده می‌شد. اما به اتفاقی می‌فتاد اگر آن بدهی‌ها پاک نمی‌شد؟ به ناگاه همه آن مردم بدهکار تبدیل به خدمتکار آن شخص طلبکار و ثروتمند می‌شدند. شما این موضوع را نیز مطرح می‌کنید که این مسئله در قلب داستان‌های کتاب مقدس که فکر می‌کنیم با آنها

آشنایم وجود دارد. این چیزی است که نخستین خطبه مسیح به آن می‌پردازد. زمانی که وی به کنیسه رفت و طومار عیسی پیامبر را کشود و گفت، «من آمده‌ام که سال خداوند را اعلام کنم»، که لغو بدهی- سال جشن بخشایش- بود، که از بابل به یهودیت وارد، و در سراسر خاور نزدیک اعمال می‌شد. کسانی که انجیل را ترجمه کردند واقعاً نمی‌دانستند که معنای این واژه‌ها چیست. معنای «سال خدا» چیست؟ معنای «دورو» (deror) چیست؟ که همانا لغو بدهی‌ها بود. تنها پس از آنکه آشورشناسان شروع به دریافت آن کردند که چگونه همه جوامع خاور نزدیک لغو بدهی داشتند، همچنان‌که انسان‌شناسان آن را درمورد همه، از سرخ‌پوستان بومی آمریکا تا مردم قلمروهای اروپایی، یافتند، این روال بازگشت توازن و تعادل مرسوم شد. تصور این بود که چگونه مانع از بی‌ثباتی و قبحی‌شدن جامعه شویم؟ و پاسخ آن لغو بدهی‌ها بود.

● **چگونه این نگرش به بدهی و لغو بدهی تغییر کرد؟**
مفهومی به نام بهره در غرب، در همه اسناد زبان یونانی آغازین از ۱۶۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد، وجود نداشت. فکر بدهی حامل بهره برای نخستین بار در حدود قرن هشتم پیش از میلاد پدید آمد، و سرکردگان محلی همه به ناگاه به آنچه ششمی از تاریخ‌نگاران خاندان‌های میافایی می‌نامند، تبدیل شدند. آنها تا حوالی قرون هفتم و ششم پیش از میلاد راهی برای انحصار نسبی زمین یافتند. اصلاح‌طلبان در سراسر یونان و ایتالیا، انقلاباتی را به راه انداختند، و این اصلاح‌طلبان بعدها «خودکامکان» نامیده شدند. کل جنگ‌های جوامع اولیه برای این بود: چگونه مانع آن شوند که جمعیت

اندیشه

گفت‌وگویی با مایکل هادسون

لزوم بخشش بدهی‌های پرداخت‌ناپذیر



به ورطه بندگی می‌افتد؟ کاخ‌ها خیلی برای این کار داشتند. اگر خرده‌کشاورزانی بودند که محصول‌شان بابت بدهی نصیب وام‌دهنده‌ها می‌شد و به جای اینکه به بیگاری روی دیوارهای قصر و کندن کانال آبیاری مشغول شوند مجبور می‌شدند روی زمین وام‌دهنده‌ها کار کنند، خلاصه اگر این کشاورزان گرفتار بدهی به وام‌دهنده می‌شدند، دیگر نمی‌توانستند مازاد محصولات و کار خود را به عنوان

مالیات [به قصر بپردازند. [در نتیجه] حکومت به دست وام‌دهنده‌ها می‌افتاد.

حاکمان در خاور نزدیک، همه تا احتمالاً شاهان اولیه رم، می‌گفتند، «کاری که باید بکنیم این است که مانع آن شویم که طبقه بستانکاران یک توانگرسالاری (oligarchy) مستقل شود. زیرا اگر آنها از ما مستقل شوند، و به مازاد اقتصادی دست یابند، از این نیروی کار برای استخدام یک ارتش استفاده و ما را سرنگون می‌کنند و به یک حکومت و دولت تبدیل می‌شوند». بنابراین همواره بین حکومت حامی جامعه در برابر طبقه بستانکار- توانگرسالاران- کشمکش وجود داشت، و این الیگارش‌ی خواستار استقلال بود و نمی‌خواست لغو بدهی‌ای صورت گیرد. این جنگی بود که سه به مدت چهار قرن تا پیش از زمان مسیح جریان داشت. مسیحیان نخستین اساسا طرفدار جشن بخشایش بودند و می‌گوشیدند که بدهی‌ها را لغو کنند.

● **چگونه بدهی و قدرت رو به فزونی بستانکاران در تاریخ آشوب‌زده رم نقش ایفا کردند؟**

در رم، شاهان خطاکار در حوالی ۵۰۹ پیش از میلاد توسط یک الیگارش‌ی، که اساسا می‌خواست طبقه جمعیت رم را به بندگی فروکاهد، سرنگون شدند. کل

● **برای قرن‌ها بدهی و بدهکاری تأثیرات ثابت‌زای بسیار عمیقی بر جوامع انسانی داشته است. در جهان باستان، حکام و اتباع‌شان چاره‌ای برای آن یافتند: جشن بخشایش بدهی، که شامل محو ادواری و نامشروط بدهی بود. ما امروز به چنان جشن بخشایشی نیاز داریم.**



نگارینه سنگی بابلی از شاه مردوک‌اِپِل‌آدین با یکی از مقامات خود، ۷۱۴ پیش از میلاد (بابلیانی تاریخ جهان/عکس از گتی)

تجدید حیات رانت‌خواری

می‌گیرند، این وام را برای خرید و در نتیجه بالا بردن قیمت دارایی‌ها در بازار به کار می‌برند: خرید خانه‌ها و ساختمان‌های اداری، کل شرکت‌ها و زیرساخت‌ها در عرصه عمومی. در نظر هادسون، وام‌دادن به پشتوانه این‌گونه دارایی‌ها قیمت آن دارایی‌ها را بالا می‌برد و این‌ یعنی تورم قیمت دارایی. بازپرداخت این بدهی‌ها همه‌ا با بهره مقدار کمتری از درآمد حاصل از دستمزد یا سود را برای خرید کالاها یا مصرفی یا سرمایه‌ای باقی می‌گذارد. هادسون این انقباض پول را ناشی از بدهی جانشین اجتناب‌ناپذیر تورم قیمت دارایی می‌داند. او نشان می‌دهد که چطور ریاضت اقتصادی می‌نقبض‌کردن بازار و ایجاد بی‌کاری پرداخت بدهی را دشوارتر می‌کند. او به نظر به کینز اشاره می‌کند که برای رونق‌یافتن سرمایه‌داری صنعتی بر «میرانیدن رانت‌خوار» تأکید داشت. سیاست متعارف چنین وانمود می‌کند که اقتصاد می‌تواند بدون پایین‌آوردن سطح زندگی یا از دست‌دادن اموال بدهی خود را بپردازد؛ ولی هادسون نشان

● **کشتن میزان**
مایکل هادسون ترجمه: خسرو کلانتری نشر کلاغ قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان



جمهوری رشته‌ای دراز از شورش‌های بیابانی را تجربه کرد که خواهان لغو بدهی و بازتوزیع زمین بودند. همه اینها دموکراسی نامیده می‌شد. دموکراسی برای الیگارش‌ی بدان معنا بود که همه بستانکاران برابر باشند، و از این رو آزادی به معنای آزادی برده‌کردن بقیه جمعیت بود.

دموکراسی در سراسر دوران باستان به معنای بندگی برای بیشتر مردم بود. ارسطو بسیار در این مورد روشن صحبت کرده است. وی می‌گوید، «بسیاری از شهرها قانون اساسی‌ای دارند که ظاهر دموکراسی به آنها می‌بخشد، اما آنها به واقع الیگارش‌ی هستند». و در حقیقت، به نوشته ارسطو، هر دموکراسی گرایش به تبدیل‌شدن به الیگارش‌ی دارد، که ثروتمندان ثروت ببندوزند، و آن‌گاه الیگارش‌ی خود را به یک اشرافیت موروثی تبدیل کنند، و بر بقیه جامعه برتری جویند. جوامع با کل این پیشینه به جهان مدرن رسیدند، که سنت

لغو بدهی را برپاداخت، سنتی که مردم را از انقیاد بدهی و آنچه باعث بندگی می‌شد، رها می‌ساخت. این تفکر مدرن بر آن بود که قانون تغییر‌ناپذیر است.

تاریخ‌نگاران اکنون می‌گویند، «خوب، امپراتوری رم چندان هم بد نبود. ببین چقدر ثروتمند شد»، اما این ثروت کامل در دست یک درصد مردم بود، و ۹۹ درصد بقیه وابسته به زمین بودند. اگر دخترهای متأخر انجیل عهد جدید را بخوانید، سراسر دفتر «مکاشفات»، درباره این است، «ما در آخر زمان زندگی می‌کنیم، که وحشتناک است، رم آن موجود وحشی است. امیدی وجود ندارد. کاری نمی‌شود کرد جز قربانی‌شدن و مردن، به این امید که در جهان دیگر، وضع بهتر باشد، و شاید هم مسیح بخواد برگردد». کل ایده ضد رمی بود. هر اقتصادی را کسی برنامه‌ریزی می‌کند. پرسش این است که آیا بستانکاران آن را برنامه‌ریزی می‌کنند، چنان‌که امروز می‌بینیم؟ یا اینکه دولت یا حاکمی داریم که می‌گوید، «شغل من حفظ ثبات جامعه و جلوگیری از قطعی‌شدن آن است. تا بتوانیم بقایای خود را آهسته تینیم و تاب آوریم و پیش برویم؟». بستانکاران اهمیتی به تاب‌آوری نمی‌دهند. جدول زمانی آنها تقریباً کوتاه‌مدت است.

● **با توجه به اینکه ما در جوامع بسیار مقروضی زندگی می‌کنیم، این موضوع برای بازسازی پس از همه‌گیری چه پیامدهایی دارد؟**

گرامر یک تصادفی که بدهی حامل بهره دارد، به طور کلی رشد سریع‌تر بدهی از اقتصاد است. شما یک بدهی تصاعدی دارید که هر چند سال دو برابر می‌شود، و اقتصادها هرگز نمی‌توانند به پای آن برسند. گرایش بدهی برای هر خانواده، هر مؤسسه و هر اقتصاد رشد سریع‌تر از توانایی پرداخت است تا زمانی که سقوط فرا رسد. و زمانی که از پرداخت باز مانید، یا مال خود را از دست می‌دهید، یا به این یا آن شکل خدمتکار بستانکار خود می‌شوید، و اگر قرار باشد بدهی‌تان را با کار پرداخت کنید، باید هرچه تولید می‌کنید را به وی پرداخت کنید. اگر بدهی‌ها را لغو نکنیم- که جوامع باستانی چنین می‌کردند و هسته مرکزی مذهب باستانی همین بود- با یک تمرکز مالکیت اموال در دست بستانکاران روبه‌رو می‌شویم. هر تصادفی که بدهی حامل بهره دارد، باید در نقطه‌ای به تجدید ساختار روی آورد، در غیر این صورت همه اقتصاد به مالکیت گروه بسیار کوچکی از مردم در رأس هرم درمی‌آید، مانند آنچه در رم بود. اینگونه بود که جمهوری رم به امپراتوری رم انجمید و متمرکز شد. هر اقتصاد مالی‌شده‌ای گرایش به تمرکز دارد. نه‌فقط ثروت، که با تمرکز ثروت، به تمرکز قدرت سیاسی و تصمیم‌سازی، و سرانجام نیروی نظامی در دست طبقه مال‌داران می‌رسیم.

منبع: ژاکوبن

پی‌نوشت:

۱- ای پدر مقدس، که در ملکوتی، مقدس باد نام تو، پادشاهی تو می‌آید، تو در زمین خواهی بود، همچنان‌که در ملکوت اعلائی. نان امروزمان را به ما برسان؛ و ما را برای قانون‌شکنی‌مان ببخش، همان‌طور که ما قانون‌شکنی آنان را در مقابل تو می‌بخشیم، و ما را نه به سوسوه، که راهبی از شیطان رهنمون فرما. آمین.

می‌دهد که نمی‌تواند؛ چون با انباشت و بازگردش بهره، رشد تصاعدی بدهی از توان پرداخت اقتصاد بیشتر است. بدهی‌هایی که نتوانند پرداخت شوند، پرداخت نخواهند شد. یک اقتصاد جابجی ممکن است سقوط را به عقب بیندازد اگر بانک‌ها یا شرایط آسان‌تری وام دهند تا کسانی که وام می‌گیرند، بتوانند با بالا بردن قیمت‌ها، قیمت مستغلات و دیگر دارایی‌ها را افزایش دهند. هادسون یک درصدی‌ها را بخش مالی می‌نامد که از گروه‌های پشیتانی می‌کنند. او از حوزه بیرو مال می‌آورد که چطور در آن اعتباردهندگان حکومت تکنوکرات‌ها را بر یونان و ایتالیای اسیر بدهی تحمیل کردند و از همه‌پرسی درباره پذیرفتن نجات مالی و شرایط ریاضتی مرتبط با آن جلوگیری کردند. او ریشه این سیاست را در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ می‌بیند وقتی که صندوق بین‌المللی پول و دولت ایالات متحده پشتیبانی خود را از گروه‌هایسالاران جهان سوم آغاز کردند، همان‌ها که دوندستار اعتباردهندگان و دیکتاتوری‌های نظامی بودند. هادسون یک بعد مالی حیاتی برای کاهش بخش مالی در افروزدن توان سیاسی‌اش قائل است: هر رانت اقتصادی که از آن مالیات گرفته نشود آزاد است که به‌عنوان بهره نزد بانک به وثیقه گذارده شود. منتها نظریه کلاسیک ارزش و قیمت نشان می‌دهد مالیات بر رانت باعث افزایش قیمت‌ها نمی‌شود، ولی از رانت پرداخت می‌شود و مازاد قیمت بر ارزش هزینه‌ای ذاتی را جذب می‌کند. هادسون این هدف را هدف سیاسی اقتصاددانان بازار آزاد می‌داند، از فیزیکرات‌ها و آدام اسمیت، تا میل و عصر ترقی خواهی.

مهر

جنسیت‌گرایی در حکومت

● درحالی‌که در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده در چند دوره گذشته زنان کاندیدا بوده‌اند کشورهای آمریکای لاتین رئیس‌جمهورهای زن دارند و مشروعیت این رهبران زن را می‌آزمایند. با اینکه رهبران زن در کشورهای دیگر آمریکای لاتین همیشه در نمایش‌های سیاسی شرکت نکرده‌اند تقریباً دو برابر هم‌تایان مرد خود تلاش کرده‌اند تا به موقعیت‌های امروز خود دست یابند. در مقاله‌ای با عنوان «زنان شگفت‌انگیز و مردان خودبرتربین»، که در اکونومیست چاپ شد، آمده است که در سال‌های اخیر زنان آمریکای لاتین نسبت به مردان زمان بیشتری را صرف تحصیلات می‌کنند، این بدان معنی است که بینش‌ها و مهارت‌های رهبری‌شان ارتقا خواهد یافت. ضمناً زنان وارد فضای تجارت شده‌اند. هرچند انتخاب یک زن برای موقعیت مدیر اجرایی را کشورهای متعدد تجربه کرده‌اند، هنوز عموم مردم نمی‌توانند به رهبر زن اعتماد کنند. این شامل زنانی می‌شود که وارد فضای قانون‌گذاری شده‌اند. درگیر سیاست خارجی هستند یا مدیریت و ریاست ادارات مهم دولتی را برعهده دارند. براساس تصویری که رسانه‌ها از مبارزه انتخاباتی هیلاری کلینتون و رؤسای جمهور زن قدرت‌مند در آمریکای لاتین ارائه داده‌اند، جنسیت‌گرایی در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان شکل پیشرفته‌ای از ابراز عقیده نشان داده شده و به قدرت‌گرفتن در جامعه ادامه می‌دهد. جنبش‌های برابری‌خواه و مدافعان حقوق زنان در دو قرن گذشته تلاش‌هایی بسیاری کرده‌اند تا وضعیت زنان و نقش آنها در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی را حاکمیتی تغییر پیدا کنند. از بدست‌آوردن حق رای تا رسیدن به مناصب دولتی و تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و اقتصادی، راه پریچ‌وخم و بسیار سختی پیموده شده و شرایط امروز نشان می‌دهد که هنوز هم بخش بزرگی از مشکلات وجود دارند تا احقاق حقوق واقعی زنان، راه دور و درازی در پیش است. کتاب «موانع حضور زنان در حکومت‌ها» مجموعه مقالات مدونی است که با هدف کنکاش مشکلات موجود در جوامع گوناگون، از کشورهای توسعه‌یافته تا توسعه‌نیافته، تدوین و منتشر شده است. این کتاب با گردآوری و ویرایش آوری الیزابت هرت به تازگی با ترجمه مهسا ملک‌مرزبان از سوی انتشارات ققنوس روانه بازار نشر شده است. در این کتاب مقاله‌های مفصل و جامعی با این محورها گردآوری شده است: چرایی عدم تنوع جنسیتی در رأس سیستم‌های حاکمیتی و اقتصادی سراسر جهان، نقش کم‌رنگ زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی، نابرابری شدید نسبت زنان به مردان در رهبری و مناصب اصلی تصمیم‌گیری و ساختار جنسیت‌زده جوامع که مانع حضور زنان در موقعیت‌های اصلی و تصمیم‌ساز هستند. این کتاب اولین عنوان از مجموعه «دیدگاه‌های جهانی» است که نشر ققنوس انتشار آن را آغاز کرده است و نسخه اصلی آن در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است. این کتاب موانع حضور زنان در رأس یا بدنه حکومت‌ها را از جنبه‌های گوناگون و با نگاهی به حکومت‌های سراسر جهان بررسی می‌کند و مجموعه مقاله‌هایی است که نویسندگان آن چند موضوع را بررسی کرده‌اند؛ اینکه دیدگاه‌ها و موقعیت فعلی زنان و کاندیداهای انتخاباتی در جهان چیست؟ چه چیزی موجب نبود تنوع جنسیتی می‌شود؟ اگر در دنیا، زنان بیشتری بر مسند قدرت بنشینند، چه شمایلی پیدا می‌کند؟ نقش جنسیت‌گرایی در دورنگ‌داشتن زنان از موقعیت‌های رهبری چیست؟ و …

در پیشگفتار این مجموعه جامعه هدف، طیف وسیع خوانندگانی معرفی شده که می‌خواهند درباره حوادث جاری، تاریخ، علم سیاست، دولت، روابط بین‌الملل، اقتصاد، علوم زیست‌محیطی، فرهنگ‌های دینا و جامعه‌شناسی بیشتر بیاموزند. دانشجویانی که برای ارائه مقالات یا بحث‌های کلاسی تحقیق می‌کنند، استادها و دانشکده‌هایی که مطالب مکمل واحدهای درسی لازم دارند و کسانی که می‌خواهند موضوعات روز جهان را بهتر بفهمند. این کتاب در چهار فصل تنظیم شده است و در هر فصل چند مقاله با عنوان کلی «دیدگاه» می‌آید، فصل نخست با عنوان «تنوع جنسیتی در حکومت‌های سراسر دنیا، دیدگاه‌ها و موقعیت فعلی زنان را بررسی می‌کند، از کشورهای آفریقایی گرفته تا غرب و کشورهای که بیشترین جمعیت مسلمان را دارند. «خلل و آتار تنوع جنسیتی» عنوان فصل دوم است و در این بخش نویسندگان به این موضوع می‌پردازند که چه چیزی موجب نبود تنوع جنسیتی می‌شود، همین‌طور این سؤال را مطرح می‌کنند که اگر دنیا زنان بیشتری بر مسند قدرت داشت چه شمایلی پیدا می‌کرد. فصل سوم با عنوان «جنسیت‌گرایی و تنوع جنسیتی در حکومت» به نقش رهبری متمرکز کلان در دورنگ‌داشتن زنان از موقعیت‌های دیدگاه‌ها در این فصل به این موضوع پیردارد که چرا انتخاب یک رئیس‌جمهور زن در ظاهر برای ایالات متحده کار مشکلی به نظر می‌رسد. «نگاهی به آینده» عنوان فصل آخر این کتاب است و این موضوع را مدنظر دارد که سهمیه‌ها چگونه می‌توانند در نهایت توازن جنسیتی را برای حکومت‌های دنیا به ارمغان بیاورند و نتایج آن چه می‌تواند باشد.

● **موانع حضور زنان در حکومت‌ها**
آوری الیزابت هرت ترجمه: مهسا ملک‌مرزبان نشر ققنوس قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

